

## نگاهی به کتاب

# «مارکس و سیاست مدرن»

### کیومرث درکشیده

بایک احمدی نویسنده‌های ست پر کار و طی دهسال کنونی آثار متفاوتی از او در خصوص اندیشه‌های معاصر جهان به زبان فارسی منتشر شده است. احمدی را اول بار با نقد حکیمانه‌ای که از آثار فیلمساز روسی تارکوفسکی برآیه داد شناختم. بعد از آن به معرفی آراء فلسفی معاصران پرداخت اما زبان پیچیده‌ای که در این آثار از خود بروز داد مانع از آن شد تا خواننده‌ی آثارش ارتباط روشن و شفافی با نوشته‌های او برقرار نماید. احمدی این بار و در این کتاب زبان پیچیده‌اش را به کناری می‌نهد و با زبانی ساده و روان پیچیده‌ترین مباحث فلسفی و سیاسی معاصر را بیان می‌کند.

احمدی در پشت جلد کتابش پرسش‌هایی از این قبیل را در باب مارکس و آثارش طرح کرده است: ۱. آیا نظریه‌های اجتماعی مارکس در حد نظریه‌های افلاطون، ارسطو، لاک، روسو، هگل معتبر است؟

۲. چنان که خودش می‌پنداشت یک دانشمند و کارش علمی بود؟

۳. آیا رها از متافیزیک مدرن می‌اندیشید؟

۴. نوآوری‌هایش به روش‌شناسی جدیدی محدود می‌شد؟

۵. آیا نگرش طبقاتی‌اش و رهیافت ماتریالیستی‌اش به تاریخ، کهنه و بی‌فایده شده است؟

۶. آیا خطاهای نظری‌اش چندان اساسی و مهم بود که بتوانیم از مرگ اندیشه‌ی او یاد کنیم؟

۷. آیا اندیشه‌های انتقادی‌اش پس از سقوط کمونیسم مرد؟

۸. می‌توان به مارکس پس از مارکسیسم رها از تأویل‌های مارکسیست‌ها اندیشید؟

۹. آیا فقط با یک مارکس روبرویم، و اندیشه‌ی او فقط دارای یک محور معنایی قطعی بود؟

۱۰. شالوده‌شکنی متون او ممکن است؟

۱۱. می‌توان رها از بصیرت انتقادی‌اش به عنوان نظریه پرداز بحران به مدرنیته اندیشید؟

۱۲. آیا در سیاست مدرن فضایی وجود دارد که بدون توجه به اندیشه‌ی او شناخته نشود؟

۱۳. جای امر سیاسی در نظریه‌ی انتقادی‌اش خالی است؟

۱۴. مفهوم آزادی‌ای که او مطرح کرده هنوز معتبر است؟

۱۵. آیا در قلمرو سخن سیاسی می‌توان حساب او را از انگلس جدا کرد؟

۱۶. آیا می‌توان تبار درونمایه‌های سیاسی نوشته‌هایش را کشف کرد؟

۱۷. نظریات او در مورد دموکراسی مدرن، و دولت دموکراتیک بورژوازی ناقص نیست؟

۱۸. و...

احمدی در پیش‌گفتار کتابش متذکر می‌شود که شماری از پژوهشگران تأکید دارند که «مارکس را نمی‌توان به معنای دقیق یک فیلسوف سیاسی دانست، چرا که او هرگز فلسفه سیاسی جامع و شیوه‌داری ارائه نکرد». احمدی خود درباره پرسش‌هایی که در کتاب مطرح است می‌نویسد: «سهم مارکس در پدید آمدن مسائل امروزی تا چه حد بود؟ آیا بدون او، به جهان، به خودمان، و به امر سیاسی، به شکلی که امروز می‌نگریم، توجه می‌کردیم؟ آیا مارکس در ساختن صورت‌بندی داتانی روزگار ما نقش داشت یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است، نقش او چه بود؟» (تأکید از من است).

احمدی در ادامه می‌آورد: «حتا یکی از سرسخت‌ترین ناقدان مارکس، یعنی کارل پوپر در کتاب جامعه‌ی باز و دشمنان آن نوشته که بازگشت به علوم اجتماعی پیش از مارکس، دیگر قابل تصور نیست، و پژوهندگان امروزی همگی به او مدیون اند ولو خود به این دین آگاه نباشند... ریمون آرن در کتاب تماشاگر متعهد به صراحت نوشته که چون نه گذشته می‌نگرد و به آثار خود دقت می‌کند، متوجه می‌شود که آن‌ها «تعمقی درباره‌ی سده‌ی بیستم، در نور آثار مارکس هستند»، و تلاش کرده‌اند تا تمامی بخش‌های جامعه‌ی مدرن، یعنی اقتصاد، مناسبات اجتماعی، روابط طبقاتی، رژیم‌های سیاسی، روابط میان‌ملت‌ها، و مباحث ایدئولوژیک را روشن کنند». احمدی خود معتقد است: «من بر این ادعا، یا پیشنهاد، یا فشاری دارم که فکر مارکس به همان معنایی زنده است که اندیشه‌های بزرگ‌ترین متفکران مدرن هم چون لاک، روسو، کانت و هگل زنده‌اند. پنهان نمی‌کنم که برای اندیشه‌ی مارکس احترام فراوانی قائلم، اما به هیچ‌رو، دنباله‌روی سرسپرده‌ام نیستیم». احمدی در ادامه می‌نویسد: «از

سوی دیگر، باید این نکته را نیز برجسته کنم که این کتاب به رغم انتقادهای تندی که از اندیشه‌های مارکس، خاصه در بحث از دموکراسی مدرن دارد، به هیچ رو ضد مارکس نیست. در درآمد کتاب شرح داده‌ام که چرا فعالیت فکری و دستاوردهای روش‌شناسانه‌ی مارکس را مهم می‌دانم، و در عین حال موضعی انتقادی نسبت به آن‌ها دارم.» نویسنده معتقد است که علاوه بر تأویل و تفسیرهای متفاوت از آثار مارکس، در متونی که در اتحاد شوروی از مارکس به چاپ رسیده، نمونه‌هایی از اعمال نظر، حذف و حتا تحریف یافتنی است.

احمدی علت توجه به آثار مارکس را بحران‌های اقتصادی، رشد بیکاری در اروپای غربی، ظهور شب تیره‌ی تاجر - ریگان، بیدایش محافظه‌کاری جدید و نولیبرالیسم، سقوط کمونیسم و ظهور چپ نو و مارکسیسم غربی که خواهان بازگشت به سرچشمه‌ی آثار مارکس و انگلس بودند، می‌داند و می‌نویسد: «باید به مارکس پس از مارکسیسم» بسیندیشیم، و بگوشیم تا به متن نوشته‌ها و اندیشه‌های او بازگردیم. و حجاب‌هایی که بر آن افکنده‌اند (و لنینیسم یکی از آن حجاب‌ها و در واقع بدترین آن‌هاست) کنار بزنیم، او می‌نویسد: «چشم‌انداز کتاب حاضر به مباحث امروزی در مورد مدرنیته باز می‌گردد هدفش پیش از این که کشف بحران مارکسیسم باشد فهم جایگاه و نقش کارل مارکس در تدوین سیاست مدرن، و کشف مرزهای است که اندیشه‌های سیاسی او را از نظریه‌ی اجتماعی‌ای که پیش می‌کشید، جدا می‌کند. در این کتاب فرض نشده که اندیشه‌ی مارکس محور معنایی محکم و استواری دارد، و او متفکری معرفی شده که با وجود اشتباه‌های گاه بزرگ، و کاستی‌های نتیجه‌گیری‌ها و تصمیم‌های نظری‌اش، هم چنان به ما یاری می‌دهد تا روزگاران را تأویل کنیم، کسی که ما را درگیر گفتگوی فلسفی‌اش با دیگر متفکران می‌کند، اندیشه و خرد انتقادی را رشد می‌دهد، در آثارش نوآوری‌های فراوان یافتنی است، و در بهترین حالت می‌تواند تصویری تازه از رابطه‌ی بسیار پیچیده‌ی عدالت با آزادی را موجب شود. کسی که پذیرای نظم موجود نبود، و می‌خواست آن را دگرگون کند، و به این دگرگونی بسیار اندیشید و کوشید تا مسیری تازه را بگشاید، یا دست کم از ضرورت آن خبر دهد، شاید به خاطر همین گوهر نقادانه‌ی کارش باشد که امروز هم نمی‌توانیم رها از کارهای او به آزادی بیاندیشیم، با این که می‌بینیم شیوه‌ی پرسش‌گری‌های ما در بسیاری از آزادی‌ها تعریف‌هایی که او از آن به دست داده همخوانی ندارد.» (تأکید از من است)

احمدی در بخش مارکس پس از مارکسیسم می‌نویسد: «کسانی که به مرگ این اندیشه باور آورده‌اند در سایه‌ی حاکمیت نظام سیاسی و

استاد پهلوانی رفتی می کند، شاهد بیرونی  
اجزای سیاسی و سوسیال مومکرات اروپایی است  
سیاست های ایرانی هستند، مطمئن شدند که  
دیگونی های ضروری در نظام اقتصادی و زندگی  
ایستای سیاسی جدید به شیوه خود کار در دل  
همین نظام شکل خواهد گرفت، و هر چه نیاز  
باشد، قطعا به اندیشه های سرگورگ و غیر دیگموتاریک  
در قبیل سوسیالیسم مارکسی احتیاجی نیست. آیا  
حق با بن هاست؟ آیا اندیشه های مارکس در  
صحنه سیاست های استبدادی است؟ آیا به  
راستی می تواند بر سرده است؟ یعنی هیچ  
یامی برای سدهای که تازه گام در آن نهادند،  
ندارند؟ آنرا که از من است، و خواننده در مقابل این  
پرسش قرار می دهد: آیا مارکس به راستی چنین  
می خرد است؟ آیا نظام کنونی اروپا می تواند  
دیگ او از سوسیالیسم همین نوع بودا یا بود مبالغ  
ستغنی شدن سریع به هر قیمت، سرمایه گذاری های  
درآمدت در بخش تولید کارهای سوادیه ای، رشد  
صنایع نظامی و سرکوب خویشتن های مصروف و  
راهی نوحها بوده، بوسه خونی نیستی می گرد  
به شیوه های سازگونی اندیشه های مارکس در سده  
بیستم چه اثر آزادی بود و اثر استبداد افراد زیاد  
در این سده در زنگنه ها و شکله ها و قشایر به  
برداشتها و تولید های از عقاید دیگ و اشتغال  
گردند، در مقابل چه زندان ها، لژها و  
شکله گاهها که در همین سده بر پا شد تا مخالفان  
نظایرهای نشینی، استالینی، مائوئی - و به نام  
مخالفت با مارکسیسم در میان برهند  
من باور ندارم که با یک سده بین مارکس و  
مارکسیسم روسی و چینی - و فاصله افکار را  
نیافته باشد. به نظر من این فاصله افکار در سه  
مرحله انجام پذیرفته است. در مرحله اول بین  
مارکس و آثارش فاصله ای نبود مارکس خود تحت  
همزمان پیوسته هر دوران روایت خود را در مذهبیت  
باز تولید می کرد تا این پیوسته ها در حال  
کارش در طول حیات من توان تولید کرد بعد از مرگ  
مارکس مرحله دوم آغاز و شکل می گیرد، تولید و  
تفسیر که انگلس از آثار مارکس لایه می دهد و  
مارکسیسم سنتز می شود. در این مرحله بین  
مارکس و مارکسیسم کلمه می افتد اما به علت  
وجود مشترکی که بین آثار مارکس و مارکسیسم  
وجود دارد رابطه مابین آن دو را می توان نفی کرد  
در مرحله سوم فاصله افکار نشینی بین مارکس و  
مارکسیسم مطلق می شود و بین آن ها هیچگونه  
رابطه ای وجود ندارد مارکسیسم در مرحله ای سوم  
شوشیده تلفیق خود روسی و چینی - و در می آید  
و به ایندولاری قدرت تمام می شود. من نمی فهد  
که فعل عام مردم کمالی توسط خرد و صنع را  
چگونه می توان به مارکس وصل کرد کاری که  
اسدی می کند و از اتمی به فزاینی او که خود بارها  
در خصوص اپیستمولوژی دوران ها کتاب نوشته  
است بعد به نظر می رسد، اسدی از فکورک نظر

می کند که گفته بود همارکسیست مثل یک ماهی  
است که در آب سده ی نوزده شنا می کند. این  
ماهی در آب سده بیستم می میرد و بند می نوسد.  
کتاب حاضر می گوید تا صحت حکم فکورک را  
در باره اندیشه های خود مارکس و نه در مورد  
مارکسیسم بازمانده آیا توان قبول فکورک نشان  
می دهد که لو فکورک در تمام فضاقتی بین  
مارکس و مارکسیسم فکورک نوزده و بیست نداشت  
است. جمله پاک احمدی هم بدانگر آن است که  
نویسنده ما هو این چنان فکورک را باور دارد پس  
قتل عام مردم کامیج را ناپستی به حساب آورد  
نویسد احمدی می نویسد: همارکس را مورد نظر  
قرار دادند که بنیاد فکورک استیج بر تحقیق کرابس  
اقتصادی بود و هر دیگموتاریک فراموشی را به  
دیگموتاریک های بنیاد اقتصادی فرو می گشت. گفته اند  
که او همیشه باور با در می نرسید بود و تک  
مشتتکری را به جای چند علت تکمیری برگزیده بود و  
می توان کاشش فکورک را و اشکار دید او انسان را در  
بند موقعیت های تاریخی می دید، و از روشی برای  
انسان تولید گر قاش نبوده احمدی در فصل  
مارکس و سخن با سمدون آورده است: فایا بعضی  
به معنای که لیونار مطرح کرد در طرح نظریه  
انتضالی خود یک امر - روایت یا زیر - روایت  
نویسده است؛ او نفاقت به بحث لیونار دقت کرد. او  
شرح داده که شش از هر امری به شکل یک روایت  
(یک حکایت) مطرح می شود و چیزی به عنوان یک  
روایت اصلی، نهایی، یا امر روایت وجود ندارد  
چیزی که آن روایتی خرد یا شمه بخونیه پیش تو  
نظایرهای دوران روشگری و سده نوزده، و به  
طور خاص همارکسیسم، به عنوان یک امر - روایت  
مطرح شده اند. پیشرفت شکل های ارتباط مدرن  
و دیوارویی و ناهمخوانی روایت ها با یکدیگر، به  
خوش نشان می دهد که هر یک از آن امر -  
روایت ها چیزی بیش از یکی از روایت ها نیستند.  
واقع نه بهتر و نه بدتر از باقیه اند.  
احمدی در پاسخ به این ادعاها در شبه فصل  
مفهوم مدرن مانی آورده است: در است است که  
گاه آثارهای جبر بارگانه آورده برای مثال در  
فهرست آنتین تکامل تاریخی و منس غنسی  
مستعصر استعصافی یاد کرده ولی هر تولید  
علیت باورده و ظم و راهی از این گفته ها با چاشنی  
چندی رونه و می شود این که برای من گزینش برخی  
در متن و نه همه آن ها (در موردی گزینش  
عبارت های از یک متن) شکل گرفته، و در نتیجه  
اجلمیان زیادی به درستی نتیجه گیری های من توان  
داشت. تیوس از نوشته های مارکس و خود دارد که  
در هر چه با توجهی می گردانید برونست خفا بد  
بیش تر این ها، متنی هستند که تأکید بر اشتیاق از  
ایدئولوژی نهانند، یا معنایایی دومی برای امور  
قال شده اند، میان گوهر با شکل ظهور، میان آن چه  
دیده می شود با حقیقت نهانی تفاوت گذاشته اند.  
برگرم مامراس در کتاب دانش و صبر نشان داده

که در آثار مارکس همواره میان تفاهد اپیستمولوژی  
و جبرگرایی پوزیتیویستی نوعی بیکار دومی است  
تنش وجود داشته است و باز در همین فصل آورده  
است: جنگی از براندازی اساس مارکس به  
التفانهای سیاسی نوشتن که آثار را بیانگونی  
اقتصاد سیاسی عامیانه می خواند کسانی چون  
جیمز کلر، سوسون سینی و مائوس این بود که  
آن ها در مولد زبانی به قانون های کلی و چنانستول  
مستول می شدند. می نوشتند که آن چه از بررس  
خود در مورد وجه تولید سرمایه داری به دست  
آورده اند در مورد کل تاریخ اقتصاد و جوامع انسانی  
هر چه تولید حاقق است. و در ادامه آورده است:  
هنگام آثار مارکس بر اساس ملاحظاتی متعارف  
مستقل پوزیتیویستی ارزیابی شود (استیجابی به  
قانونهائی و قوانین کلی، تأیید یا نفی کلی، ایرو  
پیش بینی - و) یا نوعی آرایش سوسیالیست  
نخواهند آمد. هرگاه این آثار را چنین بیانگونی فقط  
یک فایده خواهند داشت: اثباتی خواهند بود بر تاج  
زبان و بار و نظراتی که طغلی کردن سخن، برشته ای  
در قاضی تولید است که به عنوان علوم انسانی مشهور  
شده اند. خطرات این سخن کردن علمی را استیبل  
فکورک به خوبی توضیح داده است: در مارکس  
پیشینی می نویسد: [دینیکلیان لیکورگویی]  
کوشید تا نشان دهد که مارکس میان قانون تاریخی  
تاریخ با قانون های تاریخی تفاوت می گذاشت -  
ما ممکن است قانون های طبیعت را با چاشنی  
دیگموتاریک پذیرد، قطعی بداندیم - اما نمی توانیم  
دیگموتاریک را در مورد قانون های کنونی در زندگی  
اجتمای سخن و کارایی می یابند، بیان کنید این جا  
عناصر معدود هستند که کارکرد قانون دهند، بسیار  
متوع و خاص نفاختنند کتاب پاک احمدی  
علاوه بر یک بخش درآمد نظری او بخش است که در  
بخش اول آن با عنوان تقریری انتضالی مارکس و  
اسیاس به دیالکتیک مدرنیته، و منسج گری و  
تلفظ سنجی خرد سیاسی، و کیفیات ماتریالیستی  
به تاریخ، و سه مفهوم در نظریه ای انتضالی می پردازد  
در بخش دوم با عنوان مفاهیم و مسائل سیاسی  
در اندیشه های مارکس به یونان و یونان و یونان  
دولت و دیگموتاریک - سیاست های کارگری، علاوه بر  
انقلاب و سوسیالیسم پرداخته شده است. نظریه  
آن آزادی فصل بیست ها می باشد. در این فصل  
نهادیم درباره فکورک نوشته های ۱۸۴۵ و  
توجه شده است علاوه بر آن پیش گفتار  
مارکس بر کتاب درسیه به نقادی اقتصاد  
سیاسی و کلامی در نقد فلسفه متن هگل و نامه به  
آرتور لونگ به چاپ رسیده است.  
در هر یک از این احمدی طرح بر روشی روز  
از مارکس و آثار نوشت، اسدی خود در این باب  
می نویسد: فایا باید متذکریم که اندیشه های این روشنگر  
را به روزگار خود متذکریم، و به آن ها رها را  
تولید های پیشین بیانگونی به احمدی به خاطر  
این اقداس تبریک می گوئیم و نقد و بررسی دقیق  
کتاب را به فرست دیگرمی گذاریم.